

Social Reconstruction and the Role of Women: Examining Women's Participation in Rebuilding War-Affected Societies and Promoting Islamic Values

Tayebeh Emamian

Ph.D. in Qur'anic and Hadith Sciences, Payame Noor University, South Tehran Branch, Tehran Province, Iran.

ta.emamian65@gmail.com

Rabab Emamian

Ph.D. in Islamic Studies Education, specializing in the Qur'an and Textual Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qur'an and Hadith, Shahr-e Rey, Tehran, Iran

amamiyamrbab@gmail.com

Abstract

Social reconstruction in war-torn societies requires a multilayered, identity-oriented approach based on cultural and social capacities. Women, as effective agents in restoring social bonds, reproducing cultural identity, and strengthening collective solidarity, play a pivotal role in the reconstruction process. This study employs a qualitative approach based on documentary analysis and a critical review of the literature on social reconstruction and women's studies in Islamic societies. Furthermore, it examines specific historical and contemporary experiences to elucidate the dimensions of women's roles. Findings indicate that in war and post-war contexts, women act beyond mere supportive or economic roles; they serve as guardians of religious and cultural identity, promoters of social capital, and facilitators of social cohesion. The results suggest that the multidimensional empowerment of women, the strengthening of their cultural and educational functions, and the provision of support frameworks based on Islamic values are key factors for achieving sustainable and justice-oriented reconstruction in Islamic societies.

Keywords: Social reconstruction, women's participation, women's empowerment, the Muslim woman model, Islamic values.

إعادة البناء الاجتماعي ودور المرأة: دراسة مشاركة النساء في إعادة بناء المجتمعات المتضررة من الحروب وتعزيز القيم الإسلامية

طبيه اماميان

دكتوراه في تخصص علوم القرآن والحديث، جامعة پیام نور، فرع جنوب طهران، محافظة طهران، إيران
ta.emamian65@gmail.com

رباب اماميان

دكتوراه في تدريس المعارف، تخصص القرآن والنصوص، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة القرآن والحديث، شهرري، طهران، إيران
amamiyambab@gmail.com

الملخص

تتطلب إعادة الإعمار الاجتماعي في المجتمعات المتضررة من الحرب مقارنة متعددة الأبعاد، قائمة على الهوية وتستند إلى القدرات الثقافية والاجتماعية. وفي هذا السياق، تؤدي المرأة دوراً أساسياً بوصفها فاعلاً مؤثراً في ترميم الروابط الاجتماعية، وإعادة إنتاج الهوية الثقافية، وتعزيز التضامن الجماعي. تعتمد هذه الدراسة المنهج الكيفي القائم على تحليل الوثائق والمراجعة النقدية للأدبيات المتعلقة بإعادة الإعمار الاجتماعي ودراسات المرأة في المجتمعات الإسلامية. كما استعرضت الدراسة بعض التجارب التاريخية والمعاصرة لتوضيح أبعاد دور المرأة. وتظهر النتائج أن المرأة في سياق الحرب وما بعد الحرب، تتجاوز الأدوار الداعمة والاقتصادية لتصبح حامية للهوية الدينية والثقافية، ومعرزة لرأس المال الاجتماعي، وميسرة للتماسك الاجتماعي. كما تشير النتائج إلى أن التمكين متعدد الأبعاد للمرأة، وتعزيز وظائفها الثقافية والتربوية، وتوفير أطر داعمة تقوم على القيم الإسلامية، تعد من العوامل الرئيسية لتحقيق إعادة إعمار مستدامة وعادلة في المجتمعات الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: إعادة البناء الاجتماعي، مشاركة النساء، تمكين المرأة، نموذج المرأة المسلمة، القيم الإسلامية.

بازسازی اجتماعی و نقش زنان: بررسی مشارکت زنان در بازسازی جوامع آسیب‌دیده از جنگ و ترویج ارزش‌های اسلامی

طیبه امامیان

دانش آموخته دکتری مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون دانشگاه قرآن و علوم حدیث تهران، دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه فاطمه زهراى اطهرایلام

ta.emamian65@gmail.com

رباب امامیان

دانش آموخته دکتری مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون دانشگاه قرآن و علوم حدیث تهران، دانش آموخته سطح سه رشته تفسیر جامعة الزهرا قم

amamiyambab@gmail.com

چکیده

بازسازی اجتماعی در جوامع آسیب‌دیده از جنگ، نیازمند رویکردی چندلایه، هویت‌محور و مبتنی بر ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی است. در این میان، زنان به‌عنوان کنشگران مؤثر در ترمیم پیوندهای اجتماعی، بازتولید هویت فرهنگی و تقویت همبستگی جمعی، نقشی اساسی در فرایند بازسازی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و برپایه تحلیل اسنادی و بررسی نقادانه ادبیات حوزه بازسازی اجتماعی و مطالعات زنان در جوامع اسلامی انجام شده است. همچنین برخی تجربه‌های تاریخی و معاصر برای تبیین ابعاد نقش زنان مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان در بستر جنگ و پساجنگ، فراتر از نقش‌های حمایتی و اقتصادی، به‌عنوان حافظان هویت دینی و فرهنگی، تقویت‌کنندگان سرمایه اجتماعی و تسهیل‌گران انسجام اجتماعی عمل می‌کنند. نتایج همچنین بیانگر آن است که توانمندسازی چندبعدی زنان، تقویت کارکردهای فرهنگی و تربیتی آنان و فراهم‌سازی بسترهای حمایتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، از عوامل کلیدی تحقق بازسازی پایدار و عدالت‌محور در جوامع اسلامی به‌شمار می‌آید.

کلیدواژگان: بازسازی اجتماعی، مشارکت زنان، توانمندسازی زنان، الگوی زن مسلمان، ارزش‌های اسلامی.

مقدمه

جنگ یکی از مخرب‌ترین پدیده‌های تاریخ بشر به شمار می‌رود که افزون بر خسارات گسترده انسانی و اقتصادی، پیامدهای عمیق اجتماعی و فرهنگی نیز به همراه دارد. درگیری‌های مسلحانه معمولاً با تخریب زیرساخت‌ها، اختلال در نظام‌های آموزشی و بهداشتی، آوارگی گسترده جمعیت و تضعیف نهادهای اجتماعی همراه است؛ از این رو، بازسازی جوامع پس از جنگ صرفاً به بازسازی فیزیکی محدود نمی‌شود و نیازمند توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و هویتی جامعه است (جوانمردی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۴۰؛ عادلی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۶). در چنین شرایطی، «بازسازی اجتماعی» به عنوان فرآیندی چندبعدی مطرح می‌شود که هدف آن احیای روابط اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و بازگرداندن ثبات و انسجام به جامعه است.

در این میان، زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در عبور جوامع از پیامدهای جنگ و حرکت به سوی بازسازی ایفا می‌کنند. اگرچه جنگ آسیب‌های گسترده‌ای بر زندگی زنان وارد می‌سازد و آنان را با چالش‌هایی نظیر از دست دادن اعضای خانواده، آوارگی و فشارهای اقتصادی و روانی مواجه می‌کند (شریفی و نسب لیدا، ۱۳۹۳، ص. ۱۱؛ شیخی و پورصدقی، ۱۴۰۴، ص. ۴)، اما در عین حال زنان در حفظ انسجام خانواده، تأمین معیشت، ارائه خدمات حمایتی و تقویت روحیه اجتماعی جامعه نقش مؤثری دارند.

مطالعات نشان می‌دهد که زنان در شرایط جنگ و پساجنگ، از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و حمایتی، می‌توانند به حفظ هویت فرهنگی، تقویت روحیه مقاومت و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر کمک کنند (عسکری دستجردی و ربانی خوراسگانی، ۱۴۰۲، ص. ۱۰؛ عباسی و کشاورز، ۱۴۰۱، ص. ۳۰).

براین اساس، بررسی نقش زنان در بازسازی اجتماعی جوامع آسیب‌دیده از جنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا شناخت ظرفیت‌ها و کارکردهای اجتماعی زنان می‌تواند در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر برای بازسازی اجتماعی و تحقق توسعه پایدار نقش مهمی ایفا کند.

۱. سؤال و هدف پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش آن است که زنان چگونه و از طریق چه سازوکارهایی می‌توانند در بازسازی اجتماعی جوامع آسیب‌دیده از جنگ نقش آفرینی کنند و چه عواملی موجب تقویت یا تضعیف مشارکت آنان در این فرآیند می‌شود؟

براین اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین جایگاه و کارکردهای زنان در بازسازی اجتماعی و ارائه چارچوبی تحلیلی برای تقویت مشارکت آنان در پرتو مؤلفه‌هایی چون توانمندسازی، مشارکت اجتماعی و ارزش‌های اسلامی است.



۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده و به تبیین نقش زنان در بازسازی اجتماعی جوامع جنگ‌زده می‌پردازد. داده‌ها با روش اسنادی و کتابخانه‌ای از منابع علمی معتبر گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته و مفاهیم استخراج شده در قالب مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی و تفسیر شده‌اند.

۳. تعاریف عملیاتی مفاهیم کلیدی

به منظور افزایش دقت مفهومی و جلوگیری از ابهام در تحلیل، مفاهیم اصلی به کاررفته در این پژوهش به صورت عملیاتی تعریف می‌شوند.

نخست، «بازسازی اجتماعی» به فرآیندی چندبعدی اطلاق می‌شود که طی آن جامعه پس از تجربه جنگ یا بحران به ترمیم روابط اجتماعی، احیای اعتماد عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی و بازسازی کارکرد نهادهای اجتماعی می‌پردازد. در این پژوهش، این مفهوم از طریق شاخص‌هایی همچون افزایش مشارکت اجتماعی زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی، تقویت همبستگی اجتماعی و بازگشت ثبات نسبی به ساختارهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش‌های مرتبط با تجربه زنان در دوران جنگ و پساجنگ نشان می‌دهد که حضور فعال آنان در فعالیت‌های اجتماعی و پشتیبانی می‌تواند نقش مهمی در بازسازی انسجام اجتماعی و احیای ساختارهای جامعه ایفا کند (اصلاحی و متین‌سادات، ۱۴۰۲؛ عسکری

دستجردی و ربانی خوراسگانی، ۱۴۰۲؛ عادلی و همکاران، ۱۳۹۷).

مفهوم دوم «مقاومت فرهنگی» است که در این پژوهش به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و کنش‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که در شرایط بحران به حفظ هویت فرهنگی و دینی جامعه و تقویت روحیه جمعی کمک می‌کند. این مفهوم به صورت عملیاتی از طریق شاخص‌هایی همچون حفظ و بازتولید ارزش‌های فرهنگی و دینی، تقویت هویت اسلامی، ایرانی، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و نقش‌آفرینی زنان در انتقال ارزش‌ها و هویت فرهنگی به نسل‌های بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که زنان در شرایط بحران می‌توانند نقش مؤثری در حفظ هویت فرهنگی و تقویت گفتمان مقاومت ایفا کنند (افروغ، ۱۴۰۴؛ عباسی و کشاورز، ۱۴۰۱؛ اسدپور و عهده، ۱۳۹۵).

۴. نقش زنان در بازسازی اجتماعی

نقش زنان در بازسازی اجتماعی فراتر از یک وظیفه صرفاً حمایتی است و می‌تواند به عنوان نیرویی محرک و تعیین‌کننده در موفقیت این فرآیند تلقی شود. زنان به دلیل تجربه‌های زیسته خاص، مهارت‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی گسترده، قادرند نقش مهمی در التیام پیامدهای اجتماعی جنگ، بازسازی روابط اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا کنند. حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند به بازسازی انسجام

اجتماعی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت ظرفیت‌های جامعه برای حرکت به سوی توسعه پایدار کمک کند.

جدول ۱: نقش زنان در فرآیندهای صلح و آشتی

نقش زنان	توضیحات	روش‌های مشارکت	مزایا
میانجی‌گری	ایفای نقش به عنوان میانجی بین گروه‌های درگیر در درگیری.	برگزاری جلسات گفتگو، تسهیل مذاکرات، ایجاد شبکه‌های ارتباطی	افزایش اعتماد، کاهش تنش، تسهیل حل مناقشات
التیام اجتماعی	کمک به التیام زخم‌های روانی و اجتماعی ناشی از جنگ و خشونت.	برگزاری کارگاه‌های التیام، ارائه خدمات مشاوره، حمایت از قربانیان	کاهش آسیب‌های روانی، تقویت انسجام اجتماعی، ترویج صلح
ترویج صلح	ترویج فرهنگ صلح و آشتی در جامعه.	برگزاری رویدادهای فرهنگی، انتشار رسانه‌های صلح، آموزش صلح در مدارس	تغییر نگرش‌ها، ترویج ارزش‌های صلح، پیشگیری از درگیری
مشارکت در تصمیم‌گیری	حضور زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به صلح و آشتی.	حضور در جلسات گفتگو، مشارکت در مذاکرات، ارائه پیشنهادات	افزایش اعتبار فرآیند صلح، تضمین منافع زنان، ایجاد صلح پایدار
جمع‌آوری	جمع‌آوری اطلاعات	انجام تحقیقات	آگاهی‌رسانی در

اطلاعات	در مورد وضعیت زنان و کودکان در مناطق درگیر درگیری.	میدانی، مصاحبه با زنان و کودکان، جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف	مورد وضعیت زنان، کمک به برنامه‌ریزی، ارائه کمک‌های ضروری
---------	--	--	--

۵. تبیین الگوی اسلامی مشارکت زنان در بازسازی اجتماعی و تفاوت آن با الگوهای غربی

الگوهای رایج غربی در حوزه توانمندسازی زنان، عموماً برافزایش قدرت اقتصادی، استقلال فردی و حضور گسترده در بازار کار تمرکز دارند. در این رویکردها، توسعه فردی بر مبنای ارتقای ظرفیت‌های اقتصادی و مشارکت در ساختار بازار تعریف می‌شود و پیوندی محدود با هویت فرهنگی و اجتماعی دارد. در مقابل، الگوی اسلامی مشارکت زنان اساساً بر بنیانی هویت محور، اجتماع‌گرا و اخلاق محور استوار است. در این الگو، توانمندسازی اقتصادی:

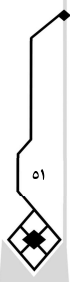
- در پیوند با هویت فرهنگی و خانوادگی قرار می‌گیرد،
- در خدمت تقویت جامعه ایمانی و سرمایه اجتماعی است،
- و هدف آن رشد هماهنگ فرد، خانواده و اجتماع است.

مطالعه «اصلاحی و متین سادات» (۱۴۰۲) درباره ستادهای پشتیبانی جنگ نشان می‌دهد که زنان در دوران دفاع مقدس توانستند نقش‌های فرهنگی - خانوادگی خود را با فعالیت‌های اقتصادی و حمایتی تلفیق کنند؛ به گونه‌ای که مشارکت آنان نه تنها با نقش‌های خانوادگی تعارض نداشت، بلکه به تقویت

بنیان خانواده انجامید (اصلاحی و متین سادات، ۱۴۰۲، ص. ۱۷). پژوهش «عسکری دستجردی و ربانی» (۱۴۰۲) نیز در بررسی کارگاه‌های خیاطی دانشگاه اصفهان نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی زنان به طور کامل با هویت دینی و مقاومت فرهنگی آنان درهم تنیده بوده است.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های الگوهای غربی با رویکرد اسلامی، برداشت متفاوت از «حجاب» است. در بسیاری از نظریه‌های فمینیستی و سکولار، حجاب نماد محدودیت و مانعی برای مشارکت اجتماعی زنان تلقی می‌شود. اما براساس پژوهش «امین و داودی» (۱۴۰۲)، حجاب در گفتمان انقلاب اسلامی یک نشانه هویتی، اخلاقی و اجتماعی است؛ نمادی که نه تنها مانع مشارکت نیست، بلکه خود به سرمایه فرهنگی و اجتماعی زنان تبدیل می‌شود. این مسئله در دوران دفاع مقدس به روشنی دیده شد؛ جایی که زنان محجبه با هویت اسلامی خود در بیمارستان‌ها، مراکز پشتیبانی، مساجد و نهادهای مردمی فعالانه حضور یافتند و نقشی تعیین‌کننده در تقویت روحیه جمعی ایفا کردند (امین و داودی، ۱۴۰۲، ص. ۲۵).

در مرحله پساجنگ، جامعه با چالش‌هایی همچون تضعیف هویت جمعی، تهدیدهای نرم، و دگرگونی ارزش‌ها مواجه است. براساس تحلیل «افروغ» (۱۴۰۴)، زنان اصلی‌ترین حاملان گفتمان مقاومت اجتماعی و بازتولید هویت اسلامی - ایرانی هستند و نقش آنان در این حوزه از کارکرد بسیاری از نهادهای رسمی مؤثرتر بوده است. همچنین پژوهش «عباسی و کشاورز» (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که در تاریخ اسلام، زنان در دوره‌های بحران اجتماعی و سیاسی، نقش حافظان فرهنگ



و دین را ایفا کرده‌اند.

در رویکردهای سکولار، مشارکت سیاسی زنان غالباً به میزان حضور آنان در مناصب رسمی و سهم آنان از ساختار قدرت تقلیل می‌یابد. اما در نگاه اسلامی، مشارکت سیاسی زنان:

- با تعهد اخلاقی پیوند دارد،
- در خدمت اصلاح اجتماعی و عدالت محوری است،
- و جایگاه زنان در حکمرانی با نقش تربیتی، فرهنگی و اجتماعی آنان هم‌افزا است.

پژوهش «افروغ و باغستانی» (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که زن مسلمان در حکمرانی اسلامی، کنشگری «هویت‌ساز»، «اصلاح‌گر» و «شبکه‌ساز اجتماعی» است، نه صرفاً عضوی از ساختار قدرت (افروغ و باغستانی، ۱۴۰۲، ص. ۹۰). مطالعات تطبیقی درباره زنان ایرانی در دوران دفاع مقدس (کولایی و بهبهانی، ۱۴۰۰)، زنان افغانستان در جنگ‌های معاصر (محمدی و همکاران، ۱۴۰۴)، و زنان جوامع اسلامی در نمونه‌های تاریخی (عباسی و کشاورز، ۱۴۰۱) نشان می‌دهد که بازسازی پساجنگ بدون مشارکت زنان مؤمن، مقاوم و هویت‌محور امکان‌پذیر نیست.

بنابراین، زن مسلمان در الگوی اسلامی سه نقش بنیادین دارد:

- بازتولیدکننده سرمایه اجتماعی
- معنابخش روابط خانوادگی و اجتماعی
- حافظ و حامل هویت دینی-فرهنگی

واژه‌همین رویکی از مؤثرترین عوامل در تحقق صلح پایدار و بازسازی اجتماعی جامعه محسوب می‌شود.

۶. مدل مفهومی نقش زنان در بازسازی هویتی. اجتماعی پسا جنگ

برای تبیین ابعاد نظری مطرح شده، این پژوهش یک مدل مفهومی برای تحلیل نقش زنان در فرایند بازسازی هویتی. اجتماعی پسا جنگ ارائه می‌دهد. جنگ معمولاً موجب فروپاشی شبکه‌های ارتباطی، تضعیف سرمایه اجتماعی، اختلال در نظام‌های فرهنگی و بروز بحران‌های هویتی می‌شود. جامعه برای عبور از این پیامدها نیازمند فرایندهای چندسطحی بازسازی است؛ فرایندی که در آن زنان نقش محوری دارند.

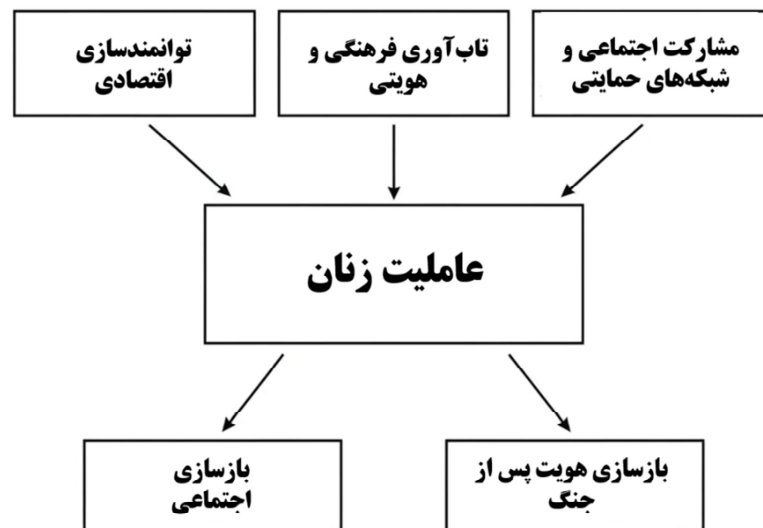
در این مدل، بازسازی هویتی. اجتماعی حاصل سه جریان عمده است:

- بازسازی اجتماعی: احیای روابط اجتماعی، شبکه‌های حمایتی و انسجام جمعی
- بازسازی فرهنگی. ارزشی: تقویت هویت دینی. فرهنگی، بازتولید ارزش‌ها و تثبیت روایت مقاومت
- بازسازی عاطفی. اخلاقی: ایجاد همبستگی، همدلی و حمایت اجتماعی در سطح خانواده و جامعه

زنان در هر سه ساحت نقش‌آفرینی می‌کنند و به عنوان کنشگرانی هویت‌ساز، حافظ ارزش‌ها و شبکه‌ساز اجتماعی، عاملی کلیدی در بازسازی جامعه پس از جنگ هستند. برآیند این فعالیت‌ها، شکل‌گیری بازسازی هویتی. اجتماعی

است؛ وضعیتی که جامعه با اتکا به سرمایه های فرهنگی، عاطفی و اجتماعی خود، مسیر بازسازی، ثبات و توسعه پایدار را طی می کند.

مدل مفهومی ارائه شده (شکل ۱) پیوند این ساحت ها و جایگاه زنان در هر مرحله را نشان می دهد و بیان می کند که مشارکت فعال و هویت محور زنان یکی از مؤثرترین عوامل در تسریع و تعمیق فرایند بازسازی پسا جنگ است.



شکل ۱. مدل مفهومی نقش زنان در بازسازی هویتی-اجتماعی پسا جنگ

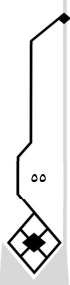
۷. بحث

یافته های این پژوهش نشان می دهد که مشارکت زنان در بازسازی اجتماعی جوامع آسیب دیده از جنگ، به مراتب گسترده تر از نقش های حمایتی یا امدادی

صرف است و ابعادی چندلایه شامل فرهنگی، اجتماعی، هویتی، تربیتی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد. در بسیاری از جوامع اسلامی، زنان به دلیل جایگاه محوری خود در خانواده و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی، سهم چشمگیری در احیای سرمایه اجتماعی، تقویت همبستگی و انتقال ارزش‌ها و هویت فرهنگی ایفا می‌کنند. اهمیت این نقش در دوران پساجنگ افزایش می‌یابد؛ زیرا جوامع جنگ‌زده علاوه بر خسارات مادی، با چالش‌های عمیق اجتماعی، روانی و هویتی مواجه‌اند که بازسازی آن‌ها تنها از طریق سازوکارهای رسمی نیز امکان‌پذیر نیست.

یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان در چنین شرایطی، از طریق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، داوطلبانه و شبکه‌سازی‌های محلی، می‌توانند به ترمیم روابط اجتماعی، بازسازی اعتماد عمومی و احیای انسجام جمعی کمک کنند. نمونه بارز این نقش‌آفرینی در تجربه جنگ ایران و عراق مشاهده می‌شود؛ جایی که زنان نه تنها در حوزه‌های امدادی و پشتیبانی فعال بودند، بلکه در مدیریت مراکز پشتیبانی جنگ، سازمان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد روحیه مقاومت اجتماعی سهم تعیین‌کننده‌ای داشتند (اصلاحی و متین‌سادات، ۱۴۰۲؛ عسکری دستجردی و ربانی خوراسگانی، ۱۴۰۲).

از منظر نظری، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم «توانمندسازی زنان» در جوامع اسلامی با برخی برداشت‌های رایج در ادبیات توسعه غربی تفاوت دارد. در رویکرد اسلامی، توانمندسازی صرفاً معادل استقلال فردی، رقابت در ساختارهای قدرت یا حضور حداکثری در عرصه عمومی نیست؛ بلکه ناظر بر



تقویت ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی زنان برای ایفای نقش مؤثر در جامعه و خانواده است (افروغ، ۱۴۰۴). در این چارچوب، مشارکت زنان در فرایند بازسازی اجتماعی نه در قالب رقابت با سایر کنشگران، بلکه به صورت تکمیل‌کننده نقش‌ها و مسئولیتی مشترک در قبال بازسازی جامعه معنا پیدا می‌کند. این یافته با پژوهش‌هایی که زنان را حاملان هویت فرهنگی و عاملان انتقال ارزش‌های اجتماعی در جوامع اسلامی معرفی می‌کنند نیز همخوان است (اسدیپور و عهدیه، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش همچنین نشان‌دهنده ارتباط معنادار میان حضور فعال زنان و تقویت امنیت اجتماعی و فرهنگی است. برخی مطالعات تأکید می‌کنند که تضعیف نهاد خانواده، دگرگونی هویت جمعی و فروپاشی شبکه‌های اجتماعی از مؤلفه‌های تهدید نرم در چارچوب جنگ ترکیبی محسوب می‌شود؛ از این رو نقش زنان در تثبیت بنیان خانواده، انتقال ارزش‌ها و تقویت هویت فرهنگی می‌تواند یکی از عناصر کلیدی تاب‌آوری اجتماعی باشد (همتی نصرآباد و همکاران، ۱۴۰۲). افزون بر این، مشارکت اقتصادی زنان در دوره‌های پساجنگ به بهبود معیشت خانواده‌ها، بازگشت تدریجی اعتماد اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی کمک کرده است (کولایی و بهبهانی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

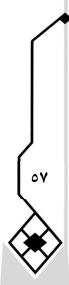
بازسازی اجتماعی در جوامع آسیب‌دیده از جنگ، فرایندی پیچیده، تدریجی و چندبعدی است که تحقق آن نیازمند نقش‌آفرینی هماهنگ تمام گروه‌های



اجتماعی، به‌ویژه زنان، است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان در جوامع اسلامی نه تنها نقش‌های حاشیه‌ای یا حمایتی ندارند، بلکه به‌عنوان کنشگرانی مؤثر در بازسازی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عمل می‌کنند. مشارکت آنان از بازتولید سرمایه اجتماعی و انتقال ارزش‌های فرهنگی گرفته تا تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد امید جمعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازگشت ثبات و سامان‌یابی جامعه دارد.

این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که الگوی مشارکت زنان در چارچوب اسلامی، بر پیوند میان هویت دینی، مسئولیت اجتماعی و عدالت جنسیتی تأکید دارد. در این رویکرد، مشارکت زنان تنها به معنای حضور در عرصه عمومی نیست، بلکه به‌عنوان عاملی اساسی در تقویت بنیان‌های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی جامعه تبیین می‌شود. این الگویی تواند در فرایند بازسازی پساجنگ به حفظ هویت فرهنگی، افزایش اعتماد اجتماعی، تقویت تاب‌آوری و شکل‌گیری الگوهای پایدار توسعه اجتماعی کمک کند.

از منظر سیاست‌گذاری، توجه به توانمندسازی چندبعدی زنان، فراهم‌سازی بسترهای حمایتی و ایجاد فرصت‌های واقعی مشارکت اجتماعی و اقتصادی برای آنان، از الزامات اساسی بازسازی اجتماعی در جوامع اسلامی است. نهادهای فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های هویتی و دینی، زمینه مشارکت مؤثرتر زنان در برنامه‌های بازسازی، صلح‌سازی و توسعه پایدار را فراهم سازند.



منابع و مآخذ

۱. اسدپور، عهدیه. (۱۳۹۵). بازنمایی هویت اسلامی. ایرانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۲(۱۱۱).
۲. اصلاحی، متین‌سادات. (۱۴۰۲). مروری تحلیلی بر مشارکت‌های اجتماعی اثربخش زنان در جنگ تحمیلی (مطالعه موردی: ستاد پشتیبانی جنگ). تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، (۱۰).
۳. افروغ، عماد. (۱۴۰۴). الگوهای جنگ شناختی در مواجهه با زنان ایرانی؛ چالش‌های هویتی و راهکارهای مقاومت اجتماعی. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، (۱)۷.
۴. افروغ، عماد، و باغستانی، محسن. (۱۴۰۲). ارائه الگوی جایگاه زن در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، ۱۶(۳).
۵. امین، فاطمه، و داودی، محمد. (۱۴۰۲). حجاب، هویت زنانه و هژمونی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۶(۹۹).
۶. جوانمردی، علیه، پورمحمدی‌املشی، نصرالله، و فلاح‌توتکار، حجت. (۱۴۰۲). رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران و بررسی آن از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۲۶(۱۳).
۷. شریفی‌نسب، لیدا. (۱۳۹۳). زنان ایران پرچم‌دار بیداری اسلامی هستند. پیام زن، (۲۶۷).
۸. شیخی، محمد، و پورصدقی، علی. (۱۴۰۴). واکاوی فقهی قتل زن و کودک غیرمسلمان در جنگ. پژوهش‌های فقه اجتماعی، (۱)۱.
۹. ضرغام، سمیه، ضیاءالحق، سیدمحمد، و حاجی‌زاده میمندی،

محمد. (۱۴۰۴). کودکی در سایه جنگ و بازتولید هویت جهادی: نقش دوران کودکی در برساخت هویت فرماندهان جهادی افغانستان. تداوم و تغییر اجتماعی، ۳(۲).

۱۰. عادل، مهدی، فتحی، سهراب، و سروش، پیراهری، نیر. (۱۳۹۷). تحولات قومی در مرزهای ایران قبل و بعد از جنگ تحمیلی: ابعاد و راهکارها. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۸(۳۱).

۱۱. عباسی، سکینه، و کشاورز، مریم. (۱۴۰۱). نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در جنگ صفین. سیره‌پژوهی اهل بیت (علیهم‌السلام) با رویکرد تمدنی، ۸(۱۴).

۱۲. عسکری دستجردی، سعید، وربانی خوراسگانی، علی. (۱۴۰۲). تجربه زیسته زنان در مراکز پشتیبانی از جنگ (مورد مطالعه: کارگاه خیاطی در دانشگاه اصفهان). مطالعات راهبردی فرهنگ، ۳(۳).

۱۳. کولایی، الهه، و بهبهانی، مریم. (۱۴۰۰). تجربه زیسته زنان رزمنده در جنگ ایران و عراق و بازاندیشی در نقش‌های سنتی سیاسی و اجتماعی آنان. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۶(۴).

۱۴. محمدی، زهرا، کلاته ساداتی، علی، افراسیابی، حسین، و فرهمند، مهدی. (۱۴۰۴). انزوا و بقای ناگزیر زنان در دوران جنگ و پساجنگ؛ مطالعه‌ای کیفی در افغانستان. تداوم و تغییر اجتماعی، ۳(۲).

۱۵. همتی نصرآباد، مهدی، و محمودی، سیده‌مریم. (۱۴۰۲). ابزارهای جنگ علیه فرزندآوری و راه‌های مقابله با آن. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۵۲(۴).